

شہید محمد سماچی



از بشارت علی
سامانہ جامع سرداران و دوازشتمید استان بوئکر

نام پدر	عبدالله
تاریخ تولد	۱۳۴۶/۰۹/۰۹
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۱۲/۰۴
محل شهادت	طلائیة
مسئولیت	رزمندة
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	بردستان

زندگینامه

شهید محمد سماچی، در سال ۱۳۴۶ در بردستان در خانواده ای متدین دیده به جهان گشود. از همان کودکی دارای هوش سرشاری بود. شش ساله بود که وارد دبستان شد. در دبستان از شاگردان ممتاز بود و به همین لحاظ معلمان را به خود جذب کرده بود و پیوسته مورد تشویق قرار می گرفت. دوره ابتدایی و راهنمایی را با موفقیت پشت سر گذاشت و به همین خاطر بود که به عنوان دانش آموز نمونه، انتخاب و جهت ادامه تحصیل به یکی از دبیرستان های نمونه شیراز معرفی گردید.

شهید، غیر از کتب درسی به کتاب های دیگر نیز علاقه زیاد داشت و پیوسته مطالعه می نمود. علاقه به خصوصی به کتاب های مذهبی داشت. شهید در دبیرستان نیز از شاگردان فعال و در ردیف شاگردان ممتاز بود.

شهید سماچی از اعضای فعال بسیج محل و انجمن اسلامی دانش آموزان بود و همچون دیگر برادران بسیجی از مخالفان سرسخت منافقین و دیگر گروهک ها بود و همیشه در جمع دوستانش از این گروهک های محارب سخن می گفت.

با وجودی که از محیط کوچک (روستا) وارد محیط بسی بزرگتر شده بود، اما روح بزرگ و والای او پاکتر از آن بود که مورد تأثیر دیگران قرار گیرد. همیشه از امام و اسلام حرف می زد و اتکا به این دو مبنا را سرلوحه کار خود قرار داده بود.

با شروع جنگ تحمیلی ابر قدرت ها علیه اسلام، شهید نیز هیچگاه از جبهه غافل نبود و به همین خاطر در تابستان، با وجود اینکه تازه پیش خانواده آمده بود، رفتن به جبهه را ترجیح داد و عازم جبهه شد. با اعزام مجدد شهید به جبهه بود که عملیات خیبر آغاز شد و او در این عملیات حضور داشت و در تاریخ ۴/۱۲/۱۳۶۲ ندای ارجعی الی ربک را لبیک گفت و به آرزوی دیرینه اش دست یافت و به شهادت رسید؛ تا به جهانیان بیاموزد، حال که اسلام در خطر است و امام، مسئله اصلی را جنگ دانسته، درس و مشق و کار و □ را باید رها کرد و به جبهه شتافت، چرا که با پیروزی در جنگ، پیروزی اسلام نیز تضمین خواهد شد.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء هـند ربهم يرزقون

با نام خدا و با یاد خدا و با آرزوی سلامتی برای حضرت حجه بن الحسن العسکری و نائب بر حقش امام خمینی و پیروزی اسلام بر کفر جهانی و برقراری پرچم اسلام در سراسر جهان.

من این راه را خود برگزیدم و کسی بر من اجبار نکرد که این راه را برو. از تمام دانش آموزان و مردم می خواهم از اسلام منحرف نشوند. دروغ این منافقین بزدل نخورند. از حضرت امام و ولایت فقیه پشتیبانی کنید و در این راه حتی از جان بگذرید. از آیه الله مشکینی، خامنه ای و رفسنجانی پشتیبانی نموده و بر دهان یاوه گویان و مخالفین آنها بزنید. از تمام روحانیون پشتیبانی کنید و اگر کسی در جایی به روحانیت توهین می کرد، دهانش را خرد کنید.

از پدر، مادر، خواهران و برادران و اقوامان می خواهم بر سر قبرم گریه نکنید و اصلاً برای اینکه در راه خدا شهید شده ام ناله و زاری ننمایید. از دوستان می خواهم ناراحت نشوند.

دانش آموزان، سنگر مدرسه را رها ننمایند که دشمن یکی از راه های ضربه وارد کردن یعنی همین رها کردن مدرسه می داند. مساجد را خالی ننماید. حتماً نماز را در مساجد و علی الخصوص با جماعت بپای دارید. به مراسم بروید. دعای کمیل را فراموش نکنید. نماز جمعه را فراموش نکنید. برادران بسیج بردستان: دعای توسل همیشه بپای دارند. همه مردم به بسیج بروند و از بسیج فرار نکنید.

از مادر، می خواهم بر سر قبرم ناله نکند. و پرچم سیاه بر خانه مزیند و پرچمی سبز بزرگی روی بام خانه قرار دهید. سیاه نپوشید. به خاطر من و تمام کارهایی که می خواهید برای من بکنید از قبیل گریه، ناله، سیاه پوشیدن برای امام حسین و اصحابش کنید چون ما راه آنها را انتخاب کردیم. و در آخر: مردم اطاعت از امام و ولایت فقیه و در هفتم و چهارم هم روضه قاسم و علی اکبر بر مزارم بخوانید. به روی قبرم بنویسید: وصیتم به شما اطاعت از ولایت فقیه، وحدت داشته باشید.

اگر گشتم شهید راه میهن

بماند تا قیامت شهرت من

چو حفظ ملک و دین از واجبات است

نباید پس دمی غافل نشستن

به قرآن کرده این آیه اشاره

ز وحدت بخوانید راه چاره

به ریسمان خدا دست افکن آری

که هرگز نمی گردد پاره

به تاریخ ۳۰/۷/۱۳۶۲، سرباز اسلام محمد سماچی



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران